

بسمه تعالی

اجتماع:

بطور بدیهی مردمی که در یک محدوده خاصی زندگی می کنند دارای اشتراکات و سلايق فردی و اجتماعی هستند که جمعا اجتماع را تشکیل می دهند. مثال آن اجتماع قومیت های مختلف در هر شهر یا کشوری است (مثال اجتماع آذری های مقیم تهران یا ایرانیان مقیم مالزی). پیر بورديو معتقد است افرادی که به هم شبیه اند تمایل دارند تا در کنار هم زندگی کنند(۱۹۸۴). منظور از شباهت در تفکر عواملی چون موقعیت اقتصادی و فرهنگی ، سبک زندگی ، میزان اقتدار و هویت اجتماعی است. و در این میان نقش عواملی چون منزلت اجتماعی و وابستگی نژادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

دانشمندان علوم اجتماعی با شواهد متعدد نشان داده اند که وقوع مشکلات اجتماعی در خانواده ها تحت تاثیر عواملی چون هنجارهای اجتماعی، و در دسترس بودن حمایت‌های اجتماعی در مواقع لزوم است. مطالعه سیمای سلامت و جمعیت در ایران در سال ۱۳۸۹ نشان داد که تعداد ۱۵/۱۶ در صد کودکان کشور حداقل یکبار در هفته گذشته بیش از یک ساعت تنها یا تحت مراقبت یک کودک زیر ۱۰ سال بوده اند. همچنین این مطالعه نشان داد که ۲۸/۸۶ درصد کودکان زیر ۵ سال کشور حداقل یک روز در هفته در معرض دود سیگار قرا می گیرند . همچنین ۱۴/۶۱ کودکان سن ۱۱-۵ سال کشور حداقل ۱ ساعت در هفته کار اقتصادی یا ۲۸ ساعت در هفته برای خانوار کار می کنند همچنین تعداد ۷۹/۳۳ درصد افراد جامعه در یک ماه گذشته از تنبیه کلامی در کودکان ۱۴-۲ سال استفاده نموده اند . که البته موارد فوق می تواند غفلت از کودک و از مصادیق کودک آزاری تلقی گردد. مطالعه سیمای سلامت و

جمعیت در ایران سال ۱۳۸۹ نشان داد که برای اینکه بتوان مداخلاتی در سطح اجتماع در راستای ارتقاء سلامت اجتماعی انجام داد باید به اشاعه ارزشهای زیربنایی ذیل اهتمام ورزید : کمک رسانی و مراقبت : اشاعه فرهنگ رفق و مدارا با همسایگان و نوع رفتار ما تعیین کننده نحوه برخورد دیگران است. به عنوان مثال وقتی به دیگران احترام گذاشته و با آنها با ادب و نزاکت رفتار می کنیم به همان ترتیب نیز با ما با ادب و احترام برخورد می شود.

خوش بینی و خوش نظری: فرهنگ خوش بینی و امیدواری به بهبود اوضاع چیزی است که هم در فرهنگ ایرانیان و هم در دین مبین اسلام به آن توجه شده است .خوش بینی نسبت به ارتقاء سلامت اجتماعی محله به این معنا است که افراد به صورت شخصی و جمعی باور داشته باشند که اقداماتی که انجام می دهند اثرات مثبت و پایایی در کاهش مشکلات محله و بهبود زندگی همگان خواهد داشت .طبیعی است که چنین باور زیربنایی انگیزه مشارکت را در مردم بالا برده و تحمل و بردباری آنها را جهت رسیدن به اهداف فردی و اجتماعی تقویت می نماید. اگر مردم دچار این باور نهانی باشند که تلاش و کوشش آنها بی ثمر بوده و افراد و گروههای قویتر و مهمتری هستند که سرنوشت آنها را تعیین می کنند، روحیه یاس و نومیدی بر آنها غلبه پیدا کرده و انگیزه مشارکت اجتماعی در آنها کاهش می یابد

روحیه تلاش و عملگرایی نیز ریشه بسیار تاریخی در فرهنگ ایرانیان دارد. ایرانیان به یکدیگر توصیه می کنند :از تو حرکت از خدا برکت " که به معنای این است که بدون تلاش و اقدام نمی توان منتظر معجزه یا تغییری در شرایط زندگی بود .در دین مبین اسلام به اهمیت تلاش برای رسیدن به اهداف فردی و اجتماعی به کرات اشاره شده است. در سوره رعد آیه ۱۱ قرآن کریم آمده است " :خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه خود برای آن تلاش

کنند. " شواهد مذهبی و فرهنگی نشانگر آن است که پویایی جامعه به تلاش و اقدام افراد آن برای ایجاد یک زندگی بهتر برای خود و دیگران بستگی دارد. در این راستا پیوندهای اجتماعی به کنشگران جامعه کمک می کند که اهداف شخصی خود را در راستای خیر و صلاح همگانی برنامه ریزی و بدین ترتیب از رفتارهای غیر اجتماعی و یا ضد اجتماعی پرهیز نمایند.

هر جامعه ای از **یکسری ویژگی های کلی** تشکیل یافته است، که این ویژگی های کلی جوامع به قرار ذیل هستند.

الف. کنش متقابل نمادی

ب. الگوهای اجتماعی

ج. همبستگی اجتماعی

د. تغییر اجتماعی

کنش متقابل نمادی:

منظور از کنش متقابل اجتماعی همان چیزی است که همه نهادها و سازمان ها را پدید می آورد. به عبارتی، منظور از **کنش متقابل اجتماعی**، تعامل، همکاری، ارتباط و مذاکره ای است که مردم با یکدیگر دارند. کنش متقابل اجتماعی خود به نوع کنش متقابل اجتماعی نمادی و کنش متقابل اجتماعی غیرنمادی تقسیم می شود.

منظور از کنش متقابل اجتماعی نمادی، این است که کنشگران هنگامی که به کنش می پردازند، رفتارهای یکدیگر را در نظر می گیرند. به عبارتی دقیق تر، منظور این است که کنش افراد معمولاً به منظور انتقال پیامی به دیگران صورت می گیرد، و دیگران که هدف این رابطه هستند،

پیوسته می‌کوشند معنای آن کنش‌ها را درک کنند و پاسخ دهند. این فرآیند، یک کنش و واکنش متقابل و مستمر را به دنبال خواهد داشت که برآیند آن تکوین جوامع انسانی خواهد بود. بر همین اساس هم هست که می‌گویند **جامعه** محصول کنش متقابل اجتماعی نمادی هست.

الگوهای اجتماعی:

منظور از الگوی اجتماعی این است که کنش متقابل اجتماعی منظم می‌شود، تنظیم می‌گردد و البته ثباتی در آن برقرار می‌شود، در نتیجه این ثبات است که کنشگران متوجه می‌شوند که در ارتباط با یکدیگر چه باید بکنند.

در نزد **جامعه‌شناسان** الگوهای اجتماعی خود به سه دسته تقسیم می‌شوند.

الف. فرهنگ،

ب. ساختار اجتماعی،

و ج. نهادهای اجتماعی

الف. فرهنگ: منظور از فرهنگ قواعد، ارزش‌ها و باورهای مشترک یک جامعه است.

ب. ساختار اجتماعی: مجموعه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی است که افراد را در جامعه رده

بندی می‌کند.

ج. نهادهای اجتماعی: منظور از نهادهای اجتماعی، نمادها و شیوه‌های تثبیت شده‌ای هستند

که برای رفع نیازهای معینی از کنشگران و جهان اجتماعی به وجود آمده‌اند.

همبستگی اجتماعی:

سومین ویژگی جوامع، همبستگی اجتماعی است.

عاملی که باعث می شود تا جامعه تداوم داشته باشد، همبستگی است که بین اعضای جامعه به وجود می آید. در واقع، همبستگی باعث وفاداری اعضای جامعه به یکدیگر می شود و این وفاداری رمز ماندگاری جامعه می شود. در حقیقت، کنشگران احساس می کنند که به جامعه تعلق دارند، بنابراین تمامی تلاش و مساعی خود را برای حفظ آن به کار می گیرند.

تغییر اجتماعی:

چهارمین ویژگی جوامع تغییر اجتماعی است. در واقع، جوامع به این دلیل وجود دارند، که می توانند تغییر کنند. زیرا اعضای جامعه می توانند مسایل آن را حل کنند. این که نسبت به مسائل آن بی توجه باشند و یا این که آن ها را نادیده بگیرند، این گونه نیست. در واقع، بر اثر همین راه حل های خلاقانه است که جامعه بازتولید و تداوم پیدا می کند.

در بین چهار ویژگی اصلی جوامع، ویژگی تغییر اجتماعی از همه مهم تر است. زیرا جامعه به مثابه یک ارگانیسم زنده است که می تواند رشد کند و تکامل یابد.

قطعاً عناصر تشکیل دهنده جامعه به مثابه انسان ها نیز این گونه هستند.

بنابراین، چون انسان موجود ثابتی نیست و همواره در حال تغییر و تحول است و البته خواهان تعالی و تکامل می باشد، اگر جلوی تغییر و تحول آن را بگیریم و یا جلوی راه رشد آن

را سد کنیم، با مشکل مواجه خواهیم شد. جامعه به مثابه مجموعه ای از کنشگران هم این گونه است و ما نمی توانیم به هر دلیلی جلوی راه رشد و توسعه آن را مسدود کنیم و یا این که بگوییم باید مطابق سلیقه خاصی تفکر و عمل کند.

نظام اجتماعی

در جامعه‌شناسی به شبکه‌ای از روابط اطلاق می‌شود، که در یک مجموعه منسجم میان افراد، گروه‌ها و نهادها وجود دارد. نمونه‌هایی از نظام‌های اجتماعی شامل هسته‌های مرکزی خانواده‌ها، جوامع، شهرها، ملت‌ها، دانشگاه‌ها، شرکت‌ها و صنایع می‌باشد

مفهوم سلامت اجتماعی

مفهوم سلامت اجتماعی به عنوان بعد مهم دیگر سلامت در سالهای اخیر توسط سازمان جهانی بهداشت مطرح شده است. و این بدین معناست که برای دسترسی به سلامت کامل، تنها سلامت جسمی و روانی کافی نیست. بلکه از آنجا که انسان در محیط اجتماعی زندگی میکند سلامت اجتماعی نیز ضروری است.

امروزه سلامت چه از بعد روانی و چه از بعد جسمی محصولی اجتماعی است. تنظیم یک برنامه سلامت بدون توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد نظر به راهکارهایی غیر کارآمد می‌انجامد. مطالعات نشان داده است که در بین عوامل مؤثر بر ایجاد سلامت سهم هر دسته از عوامل حدوداً به قرار زیر است؛.

سهم سیستم ارائه سلامت به میزان ۲۵ درصد، سهم عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی ۱۵ درصد و سهم عوامل فیزیکی، زیست محیطی و عوامل رفتاری ۱۰ درصد این در حالی است که سهم عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت ۵۰ درصد می باشد. سلامت اجتماعی از مسائل اساسی هر کشوری محسوب میشود. سلامت اجتماعی مفهومی است که در بستر اجتماع و روابط بین افراد در شبکه های اجتماعی نمود و ظهور پیدا می کند. این مولفه به منزله یکی از ارکان، سلامت شامل توانایی انجام مؤثر و کارآمد نقش های اجتماعی بدون آسیب رساندن به دیگران حضور در محیط های جمعی و مشارکت فعال فرد در موقعیتهای اجتماعی است.

چنین مشارکتی در فعالیتهای شغلی، تحصیلی، انجام تکالیف شهروندی تبعیت از قوانین و مقررات و انجام فعالیتهای داوطلبانه بازتاب می یابد. در واقع میتوان شخص را واجد سلامت اجتماعی برشمرد که بتواند فعالیتهای اجتماعی خود را در حد متعارف بروز و ظهور دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی پیوند اتصال و ارتباط برقرار نماید (نیازی و سخایی، ۱۳۹۹: ۲۵۸)

سلامت بنیادی ترین عنوانی است که حیات انسان به آن استوار است و فقط به معنای نداشتن بیماری های جسمی و روانی، نیست بلکه عملکرد انسان را در روابط اجتماعی و نحوه تفکر درباره اجتماع را بررسی و دارای ابعاد مختلفی از جمله جسمانی، روانی، هیجانی، عقلانی، معنوی و اجتماعی می باشد. امروزه سلامت اجتماعی مانند دیگر ابعاد جسمی، روانی و معنوی نقش مهم و برجسته ای دارد.

و این بعد به معنای ارزیابی فرد از کیفیت روابطش با خانواده دیگران و گروه های اجتماعی است. سلامت اجتماعی از دو مفهوم سلامت و اجتماع تشکیل شده و زمانی تحقق می یابد که افراد از سلامت نسبی برخوردار باشند و هر یک در برابر اجتماع خود احساس مسئولیت کنند. اهمیت سلامت اجتماعی به حدی است که افراد برخوردار از سلامت اجتماعی با موفقیت بیشتری با مشکلات ناشی از نقش های اجتماعی مقابله مینمایند عوامل مرتبط با سلامت اجتماعی:

-بهبودی روانشناختی است

-رفتار شهروندی سازمانی

-حمایت اجتماعی است (بنیسی، ۱۳۹۹: ۷۸)

رویکردهای حوزه سلامت اجتماعی

۱- رویکردی است که سلامت اجتماعی را در معنا و مفهوم سلامت عمومی به کار می برد. این رویکرد، سلامت اجتماعی را دارای شاخصهایی میداند که توصیف گر سلامت عمومی یک جامعه است و به همین دلیل کشورها یا جوامعی که از میزان مطلوبی از این شاخصها برخوردارند به معنای توسعه یافتگی آنها نیز هست در این رویکرد به شاخصهایی چون بیمه های سلامت میزان، بودجه شیوع خشونت و جرم مصرف مواد مخدر، تعداد زندانیها تعداد افراد بی خانمان سرانه های آموزشی و بهداشتی نرخ شیوع بیماری و ... توجه می شود.

۲- رویکرد دوم در سلامت اجتماعی ناظر بر رفتارهای سلامت شهروندان است. در این رویکرد، سلامت اجتماعی کنش جمعی تلقی میشود که هم بر جامعه اثرگذار است و هم جامعه بر آن اثر میگذارد رفتارهای سلامت شامل عادت های غذایی، ورزش و تحرک مصرف سیگار الکل و ... است.

۳- رویکرد سوم به سلامت اجتماعی بیانگر کیفیاتی ذهنی و روان شناختی است که ظرفیتهای ایجاد تعامل سالم و سازنده را برای فرد ایجاد میکند در این رویکرد میتوان به نظریه سلامت روان شناختی ریف، سلامت اجتماعی کییز و نظریه سرمایه روان شناختی مثبت اشاره کرد. دو

رویکرد نخست را میتوان با عنوان رویکرد عام که در نهادهای برنامه ریزی و سازمان بهداشت جهانی مورد توجه است معرفی نمود و رویکرد سوم نیز بیانگر مباحثی نظری است که تحت عنوان رویکرد خاص شناخته می‌شود (نیازی و سخایی، ۱۳۹۹: ۲۵۸-۲۵۹).

اهمیت سلامت اجتماعی

در خصوص اهمیت و ضرورت بررسی سلامت اجتماعی نیز بایستی اذعان نمود که امروزه از انسان سالم به عنوان محور توسعه پایدار نام برده می‌در سایه سلامت پایدار و همه جانبه تک تک آحاد جامعه میتوان از سلامت اجتماعی در جاده پیشرفت و توسعه قدم گذاشت، به همین دلیل یکی از وظایف حاکمیتی کشورها تأمین حفظ و ارتقای عادلانه سلامت جامعه است. امروزه دیگر سلامتی تنها عاری بودن از بیماریهای جسمی و روانی نیست بلکه چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی از اجتماع نیز به عنوان معیارهای ارزیابی سلامت فرد در سطح کلان جامعه بشمار میرود.

بدون شک تقویت و توسعه شاخصهای سلامت اجتماعی در هر جامعه ای کاهش بار بیماریهای جسمی و روانی را به دنبال خود خواهد داشت و ساختارها و منابع اجتماعی فرصتها و توانایی های افراد در هنگام مواجهه را چالشهای زندگی را تحت تأثیر قرار میدهند. سلامت اجتماعی نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می کند، از آنجا که شرط مهم برای

رشد و شکوفایی هر جامعه ای وجود افراد، آگاه کارآمد و خلاق است، لذا پرورش و تقویت انگیزه پیشرفت سبب ایجاد انرژی و جهت دهی مناسب رفتار و علایق و نیازهای آنها در راستای اهداف ارزشمند و معین شده میباشد و از آنجا که سلامت اجتماعی نقش عمده ای در کارکرد تمامی زمینه های فردی خانوادگی و اجتماعی دارد بدیهی است که برنامه ریزی صحیح و جامع در تأمین سلامت اجتماعی کاملاً ضروری به نظر میرسد.

شهروندی که از سلامت اجتماعی کافی و مطلوب برخوردار نباشد نمیتواند با چالشهای ناشی از ایفای نقشهای اجتماعی کنار آمده و خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق دهد لذا توجه به سلامت اجتماعی شهروندان برای رسیدن به جامعه سالم و پویا و توسعه یافته ضروری مینماید. همچنین با حصول نتایج این پژوهش می توان حساسیت و نگرانی مسئولان را در قبال سلامت اجتماعی شهروندان بیشتر کرد و سازمانها و ارگانهای ذیربط میتوانند بر مبنای یافته ها و راهکارهای این پژوهش گامهای مؤثری در جهت حفظ و ارتقای سلامت اجتماعی که در نهایت منجر به عملکرد بهتر فرد در جامعه می شود بردارند سایه سلامت اجتماعی ناهنجاری ها و مشکلات اجتماعی کاهش یافته و روابط در سایه تصحیح شیوه های رفتاری بهبود یابد(نیازی و سخایی، ۱۳۹۹: ۲۵۹-۲۶۰)

مؤلفه های سلامت اجتماعی

سلامت اجتماعی دارای پنج مؤلفه است:

۱ - شکوفایی اجتماعی دانستن و اعتقاد داشتن به این که جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است. (بریمانی و افراسیابی زاده، ۱۴۰۰: ۵۹). و مؤلفه‌هایی چون اعتقاد فرد به اجتماع به عنوان عاملی برای پیشرفت جامعه؛ اعتقاد فرد به قابل تغییر بودن اجتماع در جهت تحقق خواستهها؛ اعتقاد فرد به تاثیر داشتن تشکیلات اجتماعی مانند قانون و دولت در زندگی؛ اعتقاد فرد به مفید و پربار بودن جامعه برای افراد در سنجش آن مورد استفاده قرار می‌گیرد (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵)

۲ - همبستگی اجتماعی اعتقاد به این که اجتماع قابل فهم منطقی و قابل پیش بینی است. (بریمانی و افراسیابی زاده، ۱۴۰۰: ۵۹). و مؤلفه‌هایی چون اعتقاد فرد به بالا بودن میزان درک محققین از پیرامون دنیای اطراف؛ فهم صحیح فرد نسبت به آنچه در دنیا پیش خواهد آمد؛ درک صحیح فرد نسبت به اغلب فرهنگها؛ اعتقاد فرد به ارزشمند بودن دنیا؛ اعتقاد فرد به پیچیده بودن دنیا در سنجش آن مورد استفاده قرار می‌گیرد (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵)

۳- انسجام اجتماعی، احساس بخشی از جامعه بودن فکر کردن به این که فرد به جامعه تعلق دارد، احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن. (بریمانی و افراسیابی زاده

، ۱۴۰۰: ۵۹). و مولفه هایی چون، تعلق داشتن فرد به جامعه مورد توجه دانستن خواسته و ایده فرد توسط سایر افراد در صورت مطرح شدن؛ جامعه به عنوان منبع آرامش به راحتی فرد؛ جدی گرفتن خواسته یا ایده فرد توسط جامعه در صورت مطرح شدن؛ ارزش قائل شدن سایر افراد اجتماع برای فرد به عنوان یک شخص؛ احساس نزدیکی کردن نسبت به سایر افراد جامعه. در سنجش آن مورد استفاده قرار میگیرد (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵)

۴ - پذیرش اجتماعی داشتن گرایشهای مثبت نسبت به افراد تصدیق کردن دیگران و به طور کلی پذیرفتن افراد علی رغم برخی رفتار سردرگم کننده و پیچیده آنها. (بریمانی و افراسیابی زاده، ۱۴۰۰: ۵۹). و مولفه هایی چون اثر گذار دانستن رفتار فرد روی سایر افراد جامعه؛ قابل اعتماد دانستن افراد دیگر؛ مهربان دانستن مردم؛ اعتقاد فرد به اهمیت داشتن مشکلات افراد در سنجش آن مورد استفاده قرار می گیرد (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵)

۵ - مشارکت اجتماعی: این احساس که افراد چیزهای با ارزشی برای ارائه به جامعه دارند. این تفکر که فعالیتهای روزمره آنها به وسیله جامعه ارزش دهی می شود (بریمانی و افراسیابی زاده، ۱۴۰۰: ۵۹). مولفه هایی چون اعتقاد فرد به داشتن محصول ارزشمند برای سهیم شدن

در اجتماع اعتقاد فرد به نتیجه دار بودن کارش در جامعه؛ اعتقاد فرد به مشارکت مردم. در

سنجش آن مورد استفاده قرار می گیرد (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵)

مبانی نظری سلامت اجتماعی در دیدگاه چو و همکاران ۲۰۲۰

چو و همکاران در سال ۲۰۲۰ در نظریه خود به بررسی سلامت اجتماعی پرداختند. این

محققین اثبات کردند که سلامت اجتماعی هنوز در به درستی تعریف نشده است. این محققین

اثبات کردند که سلامت اجتماعی به معنی یک تعامل مثبت با سایر افراد در اجتماع است.

سلامت اجتماعی در این حالت با مشارکت فردی در زندگی اجتماعی ارتباط دارد. یعنی هر چه

افراد مشارکت فردی بیشتری در زندگی دارند، آنگاه می توان انتظار داشت که سلامت اجتماعی

بالاتری را تجربه می کنند. سلامت اجتماعی معمولاً در چند زمینه قابلیت بررسی دارد. این

زمینه ها عبارتند از:

۱- سلامت شبکه اجتماعی و توانمندسازی.

۲- سلامت بالینی و جسمی.

۳- بهداشت روانی و رفتاری.

مطالعات سلامت اجتماعی باید از یک رویکرد میان رشته ای برای بیان عقاید و نظریات خود در حوزه مدیریت استفاده کند. این مفهوم بیشتر با مدل های بهداشتی ادغام و برای بررسی رفاه اجتماعی به کار می رود.

مبانی نظری سلامت اجتماعی در دیدگاه دانفوئت و همکاران ۲۰۲۰

دانفوئت و همکاران در سال ۲۰۲۰ سلامت اجتماعی را بررسی کردند. آنها نشان دادند که سلامت اجتماعی به دو مولفه بستگی دارد. این دو مولفه عبارت بودند از:

۱- کیفیت انگیزه افراد.

۲- خدمات درمانی و بهداشتی که در اختیار افراد قرار می گیرد.

این مطالعه نشان داد که راه اندازی یک شرکت بهداشت اجتماعی می تواند در نهایت سطح سلامت اجتماعی را در یک منطقه تحت تاثیر قرار دهد. همچنین تمایل به جرم در مناطق فقیر نشین کاهش می یابد. اگر شرکت غیرانتفاعی در خصوص بهداشت اجتماعی در این مناطق افتتاح گردد. همچنین این محققین نشان دادند که هزینه های فرایند های اجتماعی در مناطق زاغه نشین بیش از سایر مناطق بود و امکان ایجاد یک بنگاه بهداشت سلامت را در این منطقه

از نظر اقتصادی توجیح پذیر می نماید. همچنین آنها نتیجه گرفتند که سیاست بهداشتی مناسب در مناطق فقیر نشین در نهایت سبب تقویت سلامت اجتماعی در آن مناطق می شود.

سلامت اجتماعی در دیدگاه دهارمویجیو و همکاران ۲۰۲۰

دهارمویجیو و همکاران در سال ۲۰۲۰ در نظریه خود برای سلامت اجتماعی یک مدل سه سطحی تعریف کرد. سطوح این مدل در خصوص سلامت اجتماعی عبارت بودند از:

۱- ارتباط جمعیت مورد بررسی از نظر اجتماعی.

۲- وضعیت حمل و نقل افراد درگیر در مطالعه.

۳- ورودی اجتماعی مرتبط که شامل هنجارهای غالب گرون نمونه مورد مطالعه بود.

این محققین نشان دادند که بر اساس الگوی سه سطحی ارائه شده معمولاً سلامت اجتماعی تغییر می کند. همچنین این محققین اثبات کردند که دسترسی کافی به امکانات عمومی در سطوح مختلفی قرار دارد و سبب ایجاد سلامت اجتماعی متنوع می شود. امکانات عمومی در مطالعه آنها همان حمل و نقل و امکانات آن بود. همچنین آنها اثبات کردند که مشارکت اجتماعی در سطح مختلف به بهداشت روان افراد و میزان ارتباطات اجتماعی از منظر هنجاری بستگی دارد.

ارتباط جمعیت مورد بررسی از نظر اجتماعی نشان داد که جمعیت های با ارتباط سالم بیشتر از سلامت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند. همچنین این مطالعه اثبات کرد که مشارکت اجتماعی متنوع و دسترسی بیشتر به امکانات عمومی مختلف مشکلات بهداشت روان را کاهش می دهد و به دلیل وجود مشکلات بهداشت جسمی ، بیماری های مزمن در مناطقی که سلامت اجتماعی پایین تری دارند دیده می شود. همچنین احساس سلامت اجتماعی پایین با موضوعاتی نظیر احساس عدم امنیت ناشی از بار مالی و فقدان امنیت اجتماعی ترکیب شده و جمعیت را از نظر بهداشت روانی دچار مشکل می کند.

برنامه ارتقای سلامت اجتماع به معنای انجام اقداماتی است که هدفش توانمند سازی افراد، سازمان ها و جوامع برای ارتقای رفتارها و ایجاد محیط سالم ترمی باشد (Laverack, 2007). (2007) ارتقای سلامت اجتماع محور رویکرد جامع ، منظم و هماهنگ به تاثیرگذاری طولانی مدت بر سطح سلامت است که هدفش اثر گذاشتن بر هنجارهای جامعه از طریق آموزش و سازماندهی جامعه میبا شد (Laverack, 2007). مداخلات ارتقای سلامت اجتماع محور کل جامعه را مورد هدف قرار میدهد و مستلزم اقدام در بسیاری از سطوح است، اجزای آموزشی بسیاری دارد و هدفش مشارکت عمومی باشد. در ایران گاهی واژه ارتقای سلامت جامعه محور نیز مترادف اجتماع محور بکار می رود. مداخلات ارتقای سلامت اجتماع محور شامل مراحل مختلفی است که از دید بسیاری از متخصصان مراحل زیر را شامل می : شود ارزیابی اجتماع ، ارزیابی نیازهای سلامت، سازماندهی اجتماعی و پژوهش مشارکتی.

(Luttre et al 2009) ارتقای سلامت اجتماع محور از راهبرد های مختلفی به شرح زیر میتواند سود ببرد. مداخلات آموزشی فردی، گروهی و در سطح جامعه - ایجاد فرصت برای

مردم جهت انتخاب های بهداشتی و انجام رفتارهای سالم -تشویق، تسهیل و حمایت جامعه از انتخاب های بهداشتی مشوق های اقتصادی و -وضع قوانین لازم حمایتی -مشارکت دادن مردم در مراحل تصمیمی تصمیم گیری و طراحی راهبردهای لازم و مناسب در مورد ارتقای سلامت اجتماع و نیز ارتقای سلامت اجتماع محور .

روشهای جلب مشارکت

جامعه در اصطلاح، معمولاً به گروهی از انسان ها اطلاق می شود که به منظور تامین نیازمندی های مادی و معنوی خود جمع می شوند و روابط و مناسبات اجتماعی میان آن ها برقرار می شود. به هر حال، جامعه صرفاً یک سازمان اجتماعی است متشکل از مردمی که دارای تاریخ، فرهنگ، ساختار، مجموعه ای از نهادهای اجتماعی و معمولاً زبان و هویتی مشترک هستند. در واقع، جامعه بزرگترین شمار افراد انسانی است که برای تامین نیازهای اجتماعی شان در کنش متقابل اند و همگی در یک فضای مشترک فرهنگی به سر می برند.

مفهوم و مبانی مشارکت در جامعه

استانداردهای سلامت برای افزایش سطح رضایتمندی، امید به زندگی و افزایش کیفیت زندگی در حال گسترش و اجرا هستند. برای رعایت استانداردهای سلامت، عوامل مختلفی شناسایی و مطرح شده اند. نقش عوامل اجتماعی در سلامت، به صورت رسمی، برای اولین بار، توسط وزیر بهداشت کشور کانادا با انتشار مقاله "یک دیدگاه جدید درباره سلامت کاناداییها" به عنوان یک موضوع جهانی مطرح شد. سپس بیانیه آلماتا تأکید کرد که مردم و

جوامع باید به صورت فعال در برنامه های مرتبط با سلامت مشارکت داشته باشند و لذا مشارکت در مراقبتهای بهداشتی به عنوان یک اصل کلیدی در نظر گرفته شد.

اگرچه در بیانیه آلماتا مباحثی مبنی بر توجه بیشتر به ارتقای سلامت در سطح دنیا مطرح شد، اما نقطه عطف توجه کاربردی بر علم ارتقای سلامت مرتبط به کنفرانس بین المللی اوتاواي کانادا بود. این سند ارتقاء سلامت را به عنوان فرآیند توانمندسازی مردم برای افزایش کنترل و بهبود سلامت تعریف نمود. این امر بدون موفقیت در جلب مشارکت مردم و ذینفعان، ممکن نخواهد بود. بحث مشارکت جوامع و مردم نه تنها در حوزه سلامت بلکه در مباحث توسعه پایدار نیز مورد توجه است. در واقع مشارکت به مفهوم ایجاد فرصتهایی است که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه بزرگتر را وارد در برنامه مشارکت فعال و مؤثر در فرآیند توسعه و بهره برداری نماید. اساساً رویکرد جامعه محوری از اقدامات توسعه ای منشأ گرفته است. طراحان دیدگاههای نوین در برنامه های ارتقاء سلامت، در جستجوی مشارکت جامعه به عنوان شریکی فعال در ترمیم برنامه های مرتبط با ارتقاء سلامت هستند. باید توجه داشت که مشارکت افراد تنها در جوامع کوچک و محلی کاربرد ندارد و امروزه مشارکت اجتماعی به عنوان جزء اساسی سلامت جامعه و برنامه های توسعه ای سلامت محسوب میشود. در مطالعه ای کره در سال ۲۰۰۹ توسط دپارتمان ارزشیابی نروژ با عنوان چارچوبی برای آنالیز نقش مشارکت در توسعه انجام شده است، میزان بالایی از ارتباط بین مشارکت جامعه و توسعه گزارش شد. مطالعات دیگری نیز در همین راستا انجام شده و هر کدام بخشهای متفاوتی از مسئله را بررسی نموده اند. مطالعات در زمینه نقش عوامل اجتماعی بر ارتقا سلامت در جهان همچنان ادامه دارد. روشهای جلب مشارکت، سنجش میزان موفقیت این روشها و نحوه ی تاثیر آنها بر

سلامت، همچنان نیازمند به مطالعه است. اهمیت جلب مشارکت مردمی و تقویت اقدام اجتماعی برای سلامت از دیرباز در نظام سلامت ایران نیز مطرح شده است. برنامه‌ی بهورزی، رابطین سلامت و ابتکارات اجتماع محور از جمله مهمترین تجارب موجود در ایران است. لذا بدیهی است استفاده از تجارب بین المللی میتواند کمک شایانی بر ارتقا کمی و کیفی این مداخله نماید. به نظر می رسد فهم تاثیر مشارکت یا پتانسیل مشارکت در جامعه، بیشتر از هرچیز نیازمند تحلیل نظام مند مطالعات انجام شده در دنیا برای استفاده از مشارکت جامعه دارد اینکه چه افرادی از جامعه با چه خصوصیتی در مشارکت شرکت کرده اند، شیوه مشارکت چگونه بوده و علت مشارکت آنان چیست.

ارزشیابی سلامت اجتماع محور:

به معنای گرد آوری نظام مند، تحلیل و گزارش دهی اطلاعات در باره یک برنامه برای تصمیم گیری است و نوعی فعالیت اجتماعی در جامعه است که با همکاری و مشارکت خود افراد جامعه در چارچوب ارزشیابی برنامه های سلامت اجتماع محور " محلی انجام می شود. (درستی و همکاران ، ۱۳۹۴).